

پاشنه‌ی آشیل نظام‌های توتالیتر، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی است!

به گزارش سایت‌ها و رسانه‌های فارسی، «اندیشکده‌ی راهبردی امنیت نرم» که از آن به اتقاق فکر محافل امنیتی حکومت یاد می‌شود، در جزوه‌ای به‌نام «زمزمه‌های رنگی» فهرست اسامی برخی ناشران و نویسندگانی را که آنها را برانداز دانسته‌اند، منتشر کرده است. این جزوه که با نام «واکاوای براندازی نرم در حوزه‌ی نشر» از آن یاد شده، به بررسی عملکرد چند ناشر شناخته‌شده در سال‌های اخیر در ایران پرداخته است. در این جزوه علاوه بر برخی ناشران، ده‌ها نویسنده و مترجم نیز به تلاش برای براندازی جمهوری اسلامی متهم شده‌اند.

از بهمن امینی، مدیر انتشارات خاوران در پاریس پرسیده‌ام: نظر به نظرات سخت‌گیرانه‌ی وزارت ارشاد بر کار نشر و کتاب در ایران، در عمل چگونه یک انتشاراتی در ایران می‌تواند نقش برانداز داشته باشد؟

بهمن امینی: باید به یکی دو نکته توجه کرد. این گفته‌ی شما درست است. جمهوری اسلامی از ابتدای روی کارآمدنش سعی کرده دستگاه سانسور خود را در چهارچوب وزارت ارشاد طوری مستقر کند که از ابتدا به کتاب‌ها و نوشته‌هایی که به نوعی آنها را مخالف خود می‌داند و فکر می‌کند که می‌تواند برایش مضر باشد، اجازه‌ی نشر ندهد و جلوی آنها را بگیرد. ولی در عین حال می‌دانیم که نگاه‌های مختلفی در نظام جمهوری اسلامی هست و شدت و حدت همه‌ی آنها نسبت به مثلاً فرض کنید حد مخالف بودن یک نوشته یا یک متن یکسان نیست. ظاهراً این جزوه از طرف آن محافل امنیتی تند و تیزی منتشر شده که معتقدند دستگاه سانسور جمهوری اسلامی کار خود را به خوبی انجام نمی‌دهد و به نوعی در عین این که هشدار می‌دهد به جامعه‌ی مدنی روشنفکران و نویسندگان و ناشران است، راهنمایی و توصیه به دستگاه سانسور است که بگوید در این زمینه‌ها شما کمی غفلت کرده‌اید و بیشتر و شدیدتر باید به کار خودتان بپردازید. من با این نگاه می‌بینم که اینها همه برای سخت‌تر کردن و بیشتر فشردن گلوی جامعه‌ی مدنی در شرایط برآمد شهروندان برای اعتراض‌ها و برای تقاضاهای قانونی‌شان است.

به‌طور کلی در حال حاضر و به‌ویژه بعد از ظهور جنبش اعتراضی مردم در سال گذشته، وضعیت نشر و کتاب در داخل ایران به چه شکل است؟ ان‌هم با توجه به این که حتی در سخت‌ترین شرایط سرکوب و اختناق رسانه‌ای، معمولاً شرایط نشر کتاب به گونه‌ای بازتر از شرایط مطبوعات بوده است. یعنی جملاتی که در مطبوعات و نشریات اجازه‌ی انتشار پیدا نمی‌کردند، گاه با درجاتی از تخفیف در کتاب منتشر می‌شدند. در حال حاضر وضع چگونه است؟

الان شرایط به مراتب نسبت به گذشته سخت‌تر شده است. در حقیقت انتشار این جزوه به نظر من یک مرحله‌ی کیفی است. یعنی این جزوه به تصادف منتشر نمی‌شود و همان‌طور که گفتید از طرف محافل امنیتی یا اتقاق فکرهای محافل امنیتی منتشر شده است که نام «اندیشکده‌ی راهبردی امنیت نرم» را روی خودشان گذاشته‌اند. این خود نشان‌دهنده‌ی این است که اینها می‌خواهند فشار را نسبت به گذشته بیشتر کنند. اگر ما به خود جزوه نگاه کنیم، به ما نشانه‌هایی می‌دهد برای روشن‌شدن کارکردی که این جزوه می‌خواهد داشته باشد.

یک نظام توتالیتر به‌طور کلی مدعی این است که حقیقت با اوست و تنها اوست که حقیقت را نمایندگی می‌کند و هر دیگری را باطل می‌داند و می‌خواهد آن را حذف کند. پاشنه‌ی آشیل هر نظام توتالیتر هم همیشه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی است. در همه‌ی نظام‌های توتالیتر به کسانی که این نقش را بازی می‌کنند، با چشم‌مظنون و دشمن نگاه می‌شود. مسئله این است که جمهوری اسلامی هم از همان ابتدا که روی کار آمد، این نگاه و این ادعا را داشته است که نماینده‌ی واقعی حقیقت الهی روی زمین است و باطل جهانی به کمک باطل داخلی می‌خواهد او را از بین ببرد.

در نتیجه همواره رسانه‌های گروهی، نشر، نویسندگان، خبرنگاران و آن کسانی که می‌توانند این ادعا را به نحوی زیر سؤال ببرند، برایش مظنون بوده‌اند و تا آنجایی که توانسته است اینها را تحت فشار گذاشته است. آن چیزی که به‌طور مشخص در این جزوه می‌بینیم و از ابتدا طرح می‌شود، همین ادعاست. یعنی ادعا می‌کند که می‌خواهد نشان دهد که چگونه باطل جهانی با کمک باطل داخلی- عین جملات

خودشان است. در پی براندازی نظام جمهوری اسلامی است و از همه‌ی زمینه‌ها استفاده می‌کند؛ از جمله از نشر کتاب و نویسندگانی که با اینها همکاری می‌کنند.

بنابراین اگر با این نگاه بنگریم که به‌ویژه پس از جنبش اخیر به شدت فعال شده است، می‌توانیم بفهمیم که چرا حتی زمینه‌ی نشر را که به گفته‌ی شما نسبت به جاهای دیگر فشار کمتری رویش بوده است، زیر سؤال برده‌اند و این طور مورد تعرض قرار داده‌اند. یعنی در حقیقت در این جزوه کتاب‌هایی که همه‌شان منتشر شده‌اند و از وزارت ارشاد مجوز گرفته‌اند و یک یا دو دور از سانسور و ممیزی گذشته‌اند را زیر سؤال برده‌اند. به عبارت دیگر کتاب‌هایی را زیر سؤال برده‌اند که نظام تشخیص داده می‌تواند برایش بدون خطر باشند و منتشر شوند.

شما اگر نگاه کنید، می‌بینید که حتی پیش از جنبش اخیر آمدند و مقدار زیادی از کتاب‌هایی که در سال ۸۴، ۸۵ و ۸۶ منتشر شده بودند را بررسی کردند. می‌خواهند نشان دهند که جنبش اعتراضی مردم ایران، جزئی از تدارکات براندازی نرم نظام است که «فتمانی جهانی» پشت آن بوده است. به همین دلیل می‌بینید که آمده‌اند کتاب‌ها را کلاس‌بندی کرده‌اند، با موضوعاتی مثل «پیش‌بینی شورش در آینده»، «آموزش براندازی نرم»، «القای ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی»، «نقد رهبری» و «زیر سؤال بردن نظام اسلامی». همه‌ی اینها را در کتاب‌های اجتماعی، رمان‌ها و نمایشنامه‌ها و در هر جمله‌ای که به فرض کسی گفته من خسته‌ام یا مثلاً امروز آسمان گرفته است، چسبانده‌اند به این که دارد نظام را سیاه نشان می‌دهد و به نوعی زمینه‌سازی برای براندازی می‌کند. بنابراین با این نگاه طبیعی است که نشر ما باز هم و باز هم بیشتر تحت فشار قرار گیرد.

اگر درست متوجه شده باشم، منظور شما این است که این جزوه از طرف نهادهای امنیتی انتشار پیدا کرده است و لزوماً نظر وزارت ارشاد بر آن حاکم نیست. آیا می‌شود اینطور برداشت کرد که ممکن است یک موج سرکوب جدید براساس همین جزوه و القاناتی که می‌کند توسط دستگاه مجری سانسور در وزارت ارشاد در راه باشد؟

به احتمال خیلی زیاد. این جزوه نشان می‌دهد که زیاد از کارکرد دستگاه سانسوری که در وزارت ارشاد هست راضی نیستند. چون همیشه، می‌دانید که محافل امنیتی نسبت به محافل رسمی و تصمیم‌گیرنده‌های معین قانونی، نگاه‌شان تندتر و فشارشان بیشتر است و به نوعی آنها را هل می‌دهند و در بسیاری از موارد جابه‌جایی تصمیم‌گیرنده‌ها در دستگاه‌های رسمی با فشار محافل امنیتی صورت می‌گیرد. مسلم این است که محافل امنیتی تشخیص داده‌اند که در این ۱۰، ۱۵ سال گذشته زمینه‌هایی پیش آمده است که مردم ایران روشن شوند، فکر کنند، مسائل را زیر سؤال ببرند و پرسشگر باشند؛ و به عبارت دیگر شهروندی مستقل و منتقد باشند. تمام این ویژگی‌ها برای اینها خطرناک است.

در نتیجه نشر نقش بازی می‌کند. تازه آنها خودشان تیترو کرده‌اند. گفتند مثلاً چقدر نشر نی راجع به به‌دموکراسی، راجع به آزادی کتاب منتشر کرده است. در صورتی که یک کتاب هم مثلاً راجع به اندیشه‌های دینی منتشر نکرده است. یا فلان ناشر دیگر اگر رمانی منتشر کرده، رمانی بوده در زمینه‌ی مثلاً زندگی عرفی و نظام‌های سکولار و اینها. می‌خواهم بگویم اگر اکنون چنین نگاهی را محافل امنیتی دارند، ناشی از همین برآمدی است که بعد از انتخابات رخ داد و ناشی از اعتراض مردم به تقلب در انتخابات و جنبشی است که گسترش پیدا می‌کند و هر روز عمق بیشتری می‌یابد. اینها می‌خواهند جلوی آن امکانات ارتباطی و آگاهی‌بخشی را در جنبش تا می‌توانند بگیرند.

گفتگو از سراج‌الدین میردامادی

منبع: [رادیو زمانه](http://radiozamaneh.com) (<http://radiozamaneh.com>)

[لطفاً فایل صوتی را از اینجا بشنوید :](#)

http://www.zamang.com/podcast/2010/20110112_Seraj_PM2_AminiBahman_Nasheran.mp3
